

رقابت روسیه و انگلیس در ایران، بازخوانی جنبش مشروطه در ایران

علی اکبر رضایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۰


چکیده

جنبش مشروطه‌خواهی در ایران یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌ها در صحنهٔ سیاسی تاریخ معاصر ایران است. این جنبش به حکومت‌های مطلقه در ایران که پادشاهان تنها تصمیم‌گیرندگان کشور بودند پایان داد. در این جنبش شاهد نقش‌آفرینی دو قدرت استعمارگر روسیه و انگلستان در ایران بودیم که روسیه طرفدار سلطنت‌طلبان و انگلستان طرفدار مشروطه‌خواهان بود و هر کدام در این جنبش منافع خودشان را دنبال می‌کردند. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که دو کشور روسیه و انگلیس چه منافعی یا ضررهایی در مخالفت و موافقت با جنبش مشروطه‌خواهی داشتند؟ فرضیهٔ پژوهش اشاره می‌کند که به وجود آمدن جنبش مشروطه‌خواهی توسط دولت انگلستان بوده و هدف از این اقدام خارج نمودن قدرت مطلق از دست پادشاهان قاجار بوده است. در این پژوهش از روش تحلیلی-توصیفی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که انگلستان برای حفظ هندوستان به‌عنوان بزرگ‌ترین مستعمره خود ایران را به‌عنوان یک منطقه حائل که مانع از سیطره روسیه که یک قدرت استعمارگر که در همسایگی ایران می‌باشد قرار داده است. پس از گرایش شاهان قاجار به روسیه، انگلستان احساس خطر کرده که بانفوذ روسیه به ایران، هندوستان در معرض خطر تجاوز روسیه قرار گیرد. به همین دلیل، با استفاده از فرصت به‌دست‌آمده در اعتراضات مردم ایران برای تشکیل عدالت‌خانه، طرح مشروطه‌خواهی را به معترضین و متخصصین در سفارتخانه خود ابراز می‌دارد و بدین ترتیب مطالبات را به سمت مشروطه‌خواهی منحرف می‌کند. پس از روی کار آمدن محمدعلی شاه که مورد حمایت کامل روسیه بود، مجلس شورای ملی به توپ بسته شد و عده‌ای از سران مشروطه‌خواه اعدام یا زندانی شدند. انگلستان نیز با حمایت از مشروطه‌خواهان، موجبات پیروزی آنان بر محمدعلی شاه را فراهم آورد و بدین ترتیب پادشاه قاجار را تبدیل به شخصی فاقد قدرت نمود.

کلید واژه‌ها: انگلستان، روسیه، انقلاب مشروطه، محمدعلی شاه، مظفرالدین شاه.

استناد فارسی(شیوهی APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰؛ شیوهی APSA)

رضایی، علی اکبر (زمستان ۱۴۰۳). «رقابت روسیه و انگلیس در ایران، بازخوانی جنبش مشروطه در ایران». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال ۷، شماره ۴، پیاپی ۲۸، صص ۴۲-۱۹.

^۱ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). قزوین، ایران. ایمیل: Rezaei.yu@gmail.com
 کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با راجگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

انگلستان پس از آن که توانست بر هندوستان به‌عنوان بزرگ‌ترین مستعمره خود در جهان، تسلط یابد، تلاش خود را بکار بست تا از دست‌اندازی سایر قدرت‌های اروپایی به این کشور جلوگیری نماید. مهم‌ترین خطری که هندوستان را تهدید می‌کرد، روسیه همسایه شمالی ایران بود. روسیه همواره به‌دنبال راهی برای تسلط بر ایران بود، چراکه ایران به‌عنوان همسایه هندوستان، هم‌راهی جهت دستیابی به هندوستان و هم‌راهی جهت دستیابی به آب‌های گرم و آزاد بود. انگلستان نیز به ایران به‌عنوان سد نفوذی جهت جلوگیری از دستیابی روسیه به هندوستان نگاه می‌کرد. رقابت بین این دو قدرت استعماری موجب گردید تا هر یک از این دو کشور در تلاش برای نفوذ بیشتر در ایران باشند و نظر حکام ایران را به‌سوی خویش جلب نمایند.

تا قبل از به قدرت رسیدن ناصرالدین‌شاه قاجار در ایران، شاهان قاجار به دلیل ترس از روسیه و کشاندن پای یک قدرت خارجی به ایران برای برقرار نمودن تعادل در برابر روسیه، گرایش به انگلستان داشتند. باروی کار آمدن ناصرالدین‌شاه، گرایش به سمت روسیه بیشتر گردید به‌طوری‌که با ورود بریگاد قزاق به ایران زیر نظر افسران روسی و کنترل پایتخت توسط آنان، رسماً تلاش برای بیرون راندن آرام انگلیس در ایران آغاز گردید. پس از ترور ناصرالدین‌شاه و به قدرت رسیدن مظفرالدین‌شاه و به وجود آمدن مخالفت‌هایی در کشور به رهبری علمای بزرگی همچون آیت‌الله بهبهانی و آیت‌الله طباطبایی، انگلستان فرصت را مغتنم شمرد و بانفوذ در بین مخالفان حکومت که خواسته‌شان برقراری عدالت‌خانه بود، خواسته آنان را به سمت مشروطه منحرف ساخت تا بتواند با برقراری حکومت مشروطه در ایران و به وجود آوردن مجلس نمایندگی قدرت مطلقه را از دست شاهان قاجار که گرایش به روسیه پیدا کرده‌اند خارج سازد و بانفوذ در مجلس مانع از نفوذ روسیه در ایران و به خطر افتادن هندوستان توسط این کشور گردد.

نهایت این رقابت و اختلاف منجر به وجود آمدن جنبش مشروطه در دوره مظفرالدین‌شاه در ایران گردید. جنبشی که در آن هر دو قدرت استعماری جهت به دست گرفتن زمام امور در ایران و به قدرت رساندن نیروهای خود به تقویت آن‌ها پرداختند و نتیجه آن از هم‌پاشیدگی و درنهایت نابودی سلسله‌ی قاجار در ایران و به پیروزی رسیدن نیروهای تحت حمایت انگلستان بود.

۲. تسلط انگلستان بر هند

مهم‌ترین تحول سیاسی اجتماعی هند در نیمه دوم قرن نوزدهم را باید شورش هندوستان در ۱۸۵۷م/ ۱۲۷۴ق دانست، شورش‌هایی که از دست رفتن حاکمیت گورکانیان بر هند و تسلط کامل انگلیسی‌ها را بر امور این سرزمین به دنبال داشت (حاجری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۱).

در سال‌های آخر قرن شانزدهم میلادی به دنبال الحاق پرتغال به اسپانیا و شکست کشتی‌های شکست‌ناپذیر ناوگان فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا - آرمادا^۱ - از ناوگان دریایی ملکه الیزابت^۲ اول که در این نبرد حساس کشتی پرتغالی مادر دی دیوس^۳ که حامل کالاها به‌ویژه اسناد تجاری و بازرگانی متصرفات و مستعمرات پرتغال در شرق بود، به دست انگلیسی‌ها افتاد. مطالعه این اسناد موجب جلب توجه بیش‌ازپیش تجار و دولتمردان بریتانیایی به گسترش امور تجاری و سیاسی در شرق گردید(رجایی، ۱۳۹۰: ۲۹۰).

پس‌ازاین واقعه مهم، تجار انگلیسی باحساس امنیت تجارت در دریا از ملکه انگلستان درخواست کردند که باب تجارت گسترده با هندوستان و شرق را به روی آن‌ها بگشاید. ملکه الیزابت اول به این پیشنهاد پاسخ مثبت داد و بافرمان او در جمادی‌الثانی ۱۰۰۸ ق/ ۱۶۰۰ م. کمپانی شرق و پس‌از آن شرکتی برای تجارت با هندوستان به نام شرکت بازرگانان لندن که با هند شرقی تجارت دارند تأسیس گردید. این شرکت بعدها به نام کمپانی هند شرقی^۴ مشهور شد. شرکتی که با توأمان کردن تجارت و سیاست توانست سراسر هندوستان را تصرف کند و به یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های استعماری انگلستان به مدت چند قرن تبدیل شود. یک سال پس از صدور این فرمان اولین گروه از نمایندگان آن عازم سرزمین‌های شرقی شدند(همان، ۱۳۹۰: ۲۹۱).

استعمار انگلیس که در قالب کمپانی هند شرقی، از اوایل قرن ۱۷ میلادی به داخل هند نفوذ کرد و با نیرنگ و تزویر و به آهستگی سلطه شوم و زیانباری را بر آن کشور زرخیز و پهناور گسترد. نقطه اوج این امر، سیاست غارتگرایی‌های بود که لرد دالهوزی^۵ -فرماندار انگلیسی هند- تحت عنوان «دکترین لیس»^۶ نسبت به حکومت‌های محلی مستقل هند در پیش گرفت و متعاقب آن قدرت و دارایی‌های آنان را وقیحانه در اختیار کمپانی انگلیسی حاکم بر هند قرار داد. وی این سیاست را نخستین بار در ۱۲۶۴ق/ ۱۸۴۸ م. (هم‌زمان با درگذشت صاحب ضوابط و دومین سال سلطنت واجد علی) به مورد اجرا گذاشت. طبق سیاست جدید، با مرگ هر شاه و امیری که وارث مستقیم نداشت، حکومت وی ضمیمه متصرفات انگلستان می‌گردید (ابوالحسنی، ۱۳۸۳: ۱۰).

گذشته از این باید به موقعیت ژئوپلیتیک^۷ هند نیز اشاره کرد که به‌واسطه دسترسی به دریا از جایگاه خاصی در میان رهبران سیاسی دنیا برخوردار بود. در حقیقت اگر بخواهیم به‌صورت واضح‌تر بیان کنیم هند به‌عنوان بخشی از امپراتوری انگلستان و کشوری که زیر سلطه این قدرت استعمارگر قرار داشت، امکان دسترسی انگلستان به آب‌های گرم را در منطقه آسیا فراهم می‌کرد و هرگاه که

^۱. Armada

^۲. Queen Elizabeth

^۳. Mader di dios

^۴. The East India Company

^۵. Dalhousie

^۶. Doctrine of Lapses

^۷. Geopolitics

سایر قدرت‌های استعمارگر رقیب، قصد داشتند به لندن ضربه بزنند، فکر تصرف هند را در سر می‌پروراندند و تلاش می‌کردند با عملی کردن این سیاست نفوذ انگلستان را در آسیا کاهش داده و موازنه قوا را به سود خود تغییر دهند. این امر به‌ویژه در مورد روسیه مصداق پیدا می‌کند که با توسعه و گسترش مرزهای خود به‌سوی آسیای مرکزی و نزدیک شدن به مرزهای هند، خطر و رقیب بسیار بزرگی برای منافع انگلستان به‌شمار می‌آمد و تلاش می‌کرد با ضربه زدن به انگلستان در هندوستان، دست بالا را در تحولات جهانی داشته باشد (چیت‌سازیان، ۱۴۰۲: ۸).

بدین ترتیب روسیه که به سلاح‌های جدید مجهز بود با عبور از آسیای مرکزی و قفقاز، نیروهای متفرق قبیله‌ای ایران را به‌آسانی شکست داد و معاهده‌های خفت‌بار گلستان ۱۱۹۲ق/ ۱۸۱۳م؛ و ترکمانچای ۱۲۰۷ق/ ۱۸۲۸م. را به فتح‌علی شاه تحمیل کردند. انگلستان نیز که می‌خواست از روسیه عقب نماند و از افغانستان به‌عنوان منطقه‌ای حائل در برابر تزارها و پادشاهان قاجار استفاده کند، نواحی جنوبی ایران را اشغال کرد و قرارداد پاریس را به شاه ایران قبولاند (آبراهامیان، ۱۴۰۱: ۶۶). هرچند انگلستان با این اقدام خطری را که از جانب روسیه با قراردادهای گلستان و ترکمانچای برای هند به وجود آمده بود را خنثی کرد ولی همواره نگران این موضوع بود که روسیه از طریق ایران نتواند به هندوستان دست یابد.

در دهه (۱۸۳۰م/ ۱۲۱۰ش) در انگلستان اجماع فزاینده‌ای پدید آمد مبنی بر اینکه روسیه در آسیا، ایران، عثمانی و آسیای میانه در حال توسعه بخشیدن به قلمرو خود است. از همین‌جا طرح «مسئله شرق» یا «بازی بزرگ» ریخته شد. در این طرح، ایران به‌عنوان دولت حائل در برابر پیشروی و توسعه‌طلبی فزاینده‌ی روسیه به‌سوی هندوستان، از اهمیت استراتژیک خاصی برای انگلستان برخوردار شد (سید و صیاد عیدی، ۱۳۹۶: ۱۲).

۳. شاهان قاجار و اوج‌گیری رقابت روسیه و انگلیس

۳-۱. ناصرالدین‌شاه

قتل ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۵ش/ ۱۸۹۶م. نقطه‌ی عطف مهمی در سیاست داخلی و خارجی ایران به‌شمار می‌رود. در اواخر سلطنت طولانی ناصرالدین‌شاه، عدم رضایت عمومی که از نهضت لغو امتیاز تنباکو علنی شده بود، اوج گرفت (طلوعی، ۱۳۸۰: ۹۵).

یکی از دیدگاه‌هایی که درباره‌ی جنبش تنباکو وجود دارد مبتنی بر نظریه‌ای است که طبق آن چنین استدلال می‌شود که گویا تحولات داخلی ایران عصر قاجار تابعی از رقابت‌های بین‌المللی دو بر قدرت روسیه و انگلیس برای دستیابی به اهرم‌های سلطه اقتصادی و سیاسی بر این کشور بوده است. پس جنبش تنباکو به‌مثابه عقب‌نشینی انگلیس در برابر روسیه تفسیر و تبیین می‌شود. طبق

این دیدگاه خیزش مخالفت با امتیازنامه رژی به تحریک عوامل روسیه انجام گرفت تا رقیب را از عرصه تکاپو بر سر تسلط بر شریان‌های اقتصادی ایران بیرون براند و در مقابل موضع خود را هر چه بیشتر تحکیم بخشد (سید و صیاد عبدی، ۱۳۹۶: ۷-۸). ادوارد براون^۱ نیز درباره نقش رقابت روسیه و انگلیس در لغو امتیاز تنباکو می‌نویسد:

«تردید نیست که در این رویداد روس‌ها دخالت بسیار داشته‌اند. کشمکش بین روس و انگلیس در ایران امری مستمر است و این بار پیروزی روس‌ها بیش از حد انتظار بود. چراکه امین السلطان، به محض آنکه دریافت سیاستی را که تعقیب می‌کرد محکوم است، برای ممانعت از سقوط خویش با زرنگی و هشیاری سیاست خود را تغییر داده و با روس‌ها به حسن تفاهم رسید. در همان روز صدراعظم نتیجه مطلوب حاصله از گفتگوی خود با وزیرمختار روس را، دایر بر امید به اعاده آرامش در کشور در صورت القاء امتیاز به دست آورد» (براون، ۱۳۸۰: ۶۷).

در جنبش تنباکو دولت روسیه که از دهه سوم قرن ۱۹ میلادی و پس از قرارداد ترکمانچای نفوذ گسترده‌ای در دولت و سیاست ایران پیدا کرده بود، از واگذاری امتیاز انحصار توتون و تنباکوی تمام ایران به شدت ناراضی بود. اولین مخالفت با امتیاز از جانب سفارت روسیه در ایران و طی یک اعتراض رسمی صورت گرفت. از نظر سفارت روسیه این امتیاز اصل آزادی تجارت مطرح در قرارداد ترکمانچای را نقض می‌کرد. مخالفت روسیه با امتیاز نه به خاطر منافع دولت ایران بود و نه در جهت محافظت از تسلط بیگانگان بر منافع و منابع اقتصادی ملت ایران، بلکه تنها در چارچوب مصالح دولت روسیه بود که احساس می‌کرد در رقابت با انگلستان دچار زیان و شکست شده‌اند. به‌ویژه که پای یک شرکت انگلیسی به محدوده‌ی امنیتی و انحصاری آن‌ها در ایالات شمالی ایران کشیده می‌شد. بعدها که انحصار صادرات به یک شرکت فرانسوی که دفترش در استانبول^۲ بود واگذار شد روس‌ها اعتراض نکردند؛ زیرا در عرصه ایران فرانسه برای روسیه رقیب محسوب نمی‌شد (فولادی، ۱۳۹۴: ۱۱).

تشکیل بریگاد قزاق در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه را شاید بتوان چرخش وی به سمت روسیه تعبیر کرد؛ که نقش بسیار پررنگی در تحولات بعدی ایران نیز بازی کرد. بریگاد سواره قزاق که زیر نظر افسران روس تشکیل شد نیروهای مناسبی برای اجرای مقاصد روس‌ها بودند. دولت روس بهانه تعلیم قشون ایران توانست یک نیروی نظامی وابسته به آن کشور را با هزینه دولت ایران در خاک ایران سازمان‌دهی کند و از وجود آن در زمان مقتضی بهره‌گیری نماید. روس‌ها که پیوسته در طول دوره قاجار در برابر اصلاحات نظامی ایران کارشکنی می‌کردند و مانع از تشکیل نیروهای منظم و پیشرفته در ایران می‌شدند این بار خود جهت تعلیم قشون ایران پا پیش نهادند. اولین هیئت افسران روسی به سرپرستی دومانتوویچ^۳ در تاریخ ۱۲۹۶ق/ ۱۸۷۹م. وارد ایران شد. دومانتوویچ بلافاصله پس

^۱. Edward Granville Browne

^۲. Istanbul

^۳. Domantovich

از ورود به تهران سرگرم تشکیل سواره نظام بریگاد قزاق شد. دو فوج مهاجر و بومی هسته اولیه نیرو را تشکیل می‌دادند که چیزی حدود ۱۲۰ نفر بودند و مستخدم دولت ایران شمرده می‌شدند. بریگاد قزاق یک نیروی نظامی ایرانی بود که دستورات آن از جانب افسران روسی صادر می‌شد و تحت فرماندهی عالی روسیه قرار داشت و در صورتی که شرایط و منافع روسیه ایجاب می‌کرد این نیرو حتی از دستورات شاه ایران هم سرپیچی می‌کرد. در مسائل سیاسی با صلاح‌دید سفیر روس مقیم تهران اقدام به عمل می‌آورد (خراسانی و رفیعی، ۱۳۹۲: ۸).

حساسیت فزاینده‌ی ناصرالدین‌شاه در روزهای قبل از ترور نسبت به انگلیسی‌ها پس از ۱۸۵۲م/۱۲۶۸ق. شیل^۱ (وزیرمختار انگلستان) را به واهمه انداخته بود. وی در گزارشی به دولت انگلستان چنین نوشت:

«منش شاه، در این اواخر بسیار دگرگون شده است. یکی از شاهزادگان خاندانش به من گفته است که پس از عزل امیر نظام^۲ از صدارت عجب و بخصوص خدعه و فریب او بی‌حساب شده است» (امانت، ۱۳۸۳: ۲۸۱).

۲-۳. مظفرالدین شاه و آغاز مشروطیت

قزاق‌ها در جریان ترور ناصرالدین‌شاه به سرعت وارد صحنه شدند و کنترل شهر تهران را تا ورود ولیعهد به پایتخت در دست گرفتند. کلنل کاساکوفسکی^۳ فرمانده قزاق بهانه‌ی اینکه سفیر کبیر عثمانی بی‌خبر وارد ایران شده است، ناگهان سواران قزاق را در سرتاسر شهر تهران مستقر کرده و اجازه نداد تا مردم متوجه شوند که ناصرالدین‌شاه در همان ابتدای شلیک کشته شده است (موسوی، ۱۳۹۷: ۵-۶).

مداخله‌ی قزاق‌ها در برقراری نظم در پی ترور ناصرالدین‌شاه و آرامش پایتخت، زمینه را برای ورود ولیعهد که بانام مظفرالدین شاه بر تخت سلطنت نشست، فراهم آورد و از سوی دیگر، موجب افزایش قدرت و نفوذ قزاق‌ها در پایتخت و ساختارهای غیرنظامی و اداری شد. کلنل کاساکوفسکی با ارسال گزارش‌های خود به ستاد نایب‌السلطنه‌ی امپراتور روسیه که مقیم قفقاز^۴ (تفلیس)^۵ بود، به‌طور مرتب دستورالعمل‌های لازم را برای چگونگی رفتار در ایران دریافت می‌کرد و همه‌ی کوشش او این بود که منافع روسیه را در ایران در رقابت با انگلیس حفظ کند (همان، ۱۳۹۷: ۶).

^۱. Sir Justin Sheil

^۲. میرزا تقی‌خان فراهانی ملقب به امیر کبیر

^۳. Vladimir Kasakovsky

^۴. Caucasus

^۵. Tbilisi

یکی از اقداماتی که انگلستان قبل از نهضت مشروطه برای تضعیف مظفردالدین شاه و نفوذ روسیه در ایران نمود تلاش برای حذف علی اصغر خان اتابک صدراعظم پرنفوذ مظفردالدین شاه بود. انگلیسی‌ها اوضاع ایران را از نظر سیاست خود بسیار بد تشخیص دادند و می‌دانستند اتابک نفوذ سیاسی روسیه را در ایران به طوری گسترده که جایی برای انگلستان باقی نمانده است، نگرانی انگلیس از نامه‌ لرد کرزن فرمانروای هندوستان که در آن اوقات نگاشته به خوبی آشکار می‌باشد. در قسمتی از آن نامه [چنین آمده]: «صدراعظم ایران اتابک بر ضد ما است، چون از زمانی که تبعید شد ما او را به کلی رها کردیم و گذاشتیم روس‌ها [دوباره] او را روی کار بیاورند.» از این زمان انگلیسی‌ها در صدد شکست قدرت سلطنت قاجاریه و طرد سیاست و نفوذ روسیه از ایران برآمدند. کم‌کم تحریکات مستقیم و غیرمستقیم انگلیسی‌ها شاه را از اتابک ناراضی نمود، غرور و اظهار شخصیت اتابک در برابر شاه به این نارضایتی می‌افزود تا آنجا که در صدد تغییر او برآمد، اما اتابک با کمک روس‌ها و با حمایت طرفداران مؤثر و بانفوذ شاه را منصرف کرد (صفایی، ۱۳۶۳: ۱۱۶).

دولت انگلیس که مصمم به استقرار کامل نفوذ خود بود نمی‌توانست حکومت اتابک و وزارت گمرک «نوز»^۱ را که به کلی آلت دست روس‌ها شده بودند [را] تحمل کند، هاردینگ^۲ وزیرمختار انگلیس سفری به خلیج فارس رفت. موضوع عزل اتابک و برکناری نوز از مسائلی بود که در میان او و لرد کرزن^۳ فرمانروای هندوستان مطرح شد، هاردینگ پس از سفر خلیج [فارس] به اتفاق جرج چرچیل^۴ و ابسته سفارت به بغداد رفت و ذهن جمعی از روحانیون را نسبت به اتابک مشوش نمود، متعاقب همین مسافرت بود که تنی چند از علمای نجف اتابک را تکفیر کرده و تلگراف‌هایی مبنی بر ثبوت خیانت و لزوم برکناری او به ایران مخابره گردید. نارضایتی شدید انگلیسی‌ها، تکفیر اتابک از طرف چند نفر از علماء نجف، انتقاد از قرضه‌های پیاپی و تظاهرات ضد اتابک، انتشار شب‌نامه‌های شدیدالحن، بالاخره سعایت اطرافیان شاه و بی‌اعتنایی اتابک به بعضی از اوامر شاه موجباتی بود که منجر به عزل او گردید. عزل اتابک یکی از اشتباهات بزرگ مظفردالدین شاه بود زیرا نفوذ و قدرت اتابک می‌توانست سلطنت قاجاریه را حفظ کند؛ همچنان که عزل او باعث تزلزل سلطنت قاجاریه شد (همان، ۱۳۶۳: ۱۱۶ و ۱۱۷).

نهضت مشروطه از آغاز نام مشروطه بر خود نداشت و با عنوان نهضت عدالت‌خانه در پی برپایی نهاد یا ارگانی بود که در آن قانون شرع اجرا شده و حق مظلوم را از ظالم بستاند. اساس این نهضت تقبیح ظلم و دعوت حاکمان به عدالت و احترام به ارزش‌های دینی بود. از همین روی نخستین جنبش اجتماعی که برای تأسیس عدالت‌خانه صورت گرفت و در واقع بنیاد کلیت نهضت مشروطیت به شمار می‌آید، توسط علمای تهران با حضور سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، شیخ

¹. Josephus Naus

². Arthur Henry Harding

³. Lord George Nathaniel Curzon

⁴. George Churchill

فضل‌الله نوری، صدراالاسلام و سایر علما، طلاب و مردم در مسجد شاه سابق، بر پا شد که به دنبال درگیری در مسجد شاه، علمای بزرگ تهران همچون طباطبایی، بهبهانی، شیخ فضل‌الله نوری، شیخ مرتضی آشتیانی و سید جمال‌الدین افجه‌ای تصمیم گرفتند تا به زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم مهاجرت کرده و از این طریق صدای اعتراض خود را به گوش حکومت برسانند. واکنش حکومت اما حمله به تحصن علما بود، در مقابل آن‌ها دست به مهاجرت کبری به قم زدند که همین موضوع، مظفرالدین شاه را وحشت‌زده کرد تا به آن‌ها تلگراف بزند و علما و روحانیون مهاجر نیز در پاسخ آن تلگراف برای نخستین بار تقاضای مجلس مشورتی حکومتی بکنند (به نقل از خبرگزاری فارس: ۳ تیر ۱۴۰۲).

هم‌زمان با این اقدامات انگلستان نیز کوشید تا با حمایت از مشروطه‌خواهان، آتش انقلاب را در ایران شعله‌ور سازد و از این رهگذر بتواند روسیه را از صحنه‌ی سیاسی ایران خارج کند و هواداران خود را بر صحنه سیاست ایران مسلط گرداند؛ بنابراین هدف اصلی انگلستان از نفوذ در نهضت مشروطه، کنترل نهضت و هدایت آن به سمت مقاصد خود بود. به این ترتیب رفتار مزورانه انگلیسی‌ها سبب شد که در اوایل تابستان ۱۲۸۵ عده‌ای که تعداد آن‌ها در مدت ۱۰ روز تا ۲۰ هزار نفر افزایش یافت در داخل محوطه سفارت انگلیس متحصن شوند و مورد استقبال سفارت انگلیس قرار گیرند. سر دنیس رایت^۱ سفیر وقت انگلیس در ایران در خاطرات خود در موارد متعددی به برنامه‌ریزی دولت متبوع خود برای تبدیل کردن سفارتخانه و کنسولگری کشورش در ایران به «مامن» و «پناهگاه» مشروطه‌خواهان جهت پیاده کردن مقاصد اصلی خود اشاره کرده است (به نقل از خبرگزاری دنیای اقتصاد: ۱۶ مرداد ۱۳۹۰).

علمای برجسته دینی همچون شیخ فضل‌الله نوری از همان ابتدا مخالف حضور مشروطه‌خواهان روشن‌فکر در سفارت انگلستان و پذیرایی شدن با هزینه انگلیسی‌ها بود و اعتقاد داشت اگر ما نسبت به ظلم و جور شاه اعتراض داریم، سفارت یک کشور بیگانه محل مناسبی برای پژواک این موضوع به جامعه نیست (خبرگزاری تسنیم، ۲۲ دی ۱۳۹۸).

در این میان یک داستان شگفت‌آور روی داده بود و آن اینکه محمدعلی میرزای ولیعهد، از تبریز با مخالفین هم‌صدا شده و مجتهدان آن شهر را به تلگراف‌خانه فرستاده بود که به شاه، قم و دیگر شهرها تلگراف کنند و از علمای مخالفین هواداری کنند و خود او تلگراف به پدرش فرستاده بود (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۱۲).

^۱. Sir Denis Wright

گرانت داف^۱ کاردار سفارت انگلیس در گزارش مورخ ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۶ به سر ادوارد گری^۲ وزیر خارجه این کشور از پیام رهبر علمای تهران خبر داد. از گزارش‌های بعدی مشخص می‌شود که این فرد سید عبدالله بهبهانی بوده است. گرانت داف نوشته:

«پیامی از رهبر علمای تهران دریافت نموده‌ام مبنی بر اینکه مردم برای سرنگون کردن دولت کنونی مهیا شده‌اند و اینکه اگر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل به دادن کمک مالی به او باشد اینک وقت آن است» (بصیرت‌منش، ۱۴۰۰: ۸-۹).

کسروی اما برخلاف اظهارات گرانت داف آورده است:

«پیداست که خواست [آیت‌الله] بهبهانی از یآوری و همراهی که از سفیر انگلیس می‌خواسته جز این نبوده که سفیر میان ایشان با شاه میانجی باشد و پیام‌های آنان را به خود شاه رساند و راز کار این است که مظفرالدین شاه خود خواهان قانون و مجلس می‌بود، ولی عین الدوله [صدراعظم] و وزیران دیگر بهانه‌ای که یکی از همسایگان نیرومند ما^۳ با مشروطه دشمن است و یا توده خود بر سر آن در کشاکش می‌باشند و این از سیاست دور است که ما در ایران مشروطه بدهیم جلو شاه را گرفته و او را خاموش می‌گردانیدند.» (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۰۹).

«خواست [آیت‌الله] بهبهانی این بود که سفیر انگلیس در میان ایشان و شاه میانجی باشد و به او دل داده و از ترس بیرون آورد. این گمان هرگز نمی‌رود که [آیت‌الله] بهبهانی و [آیت‌الله] طباطبایی به پناهنده شدن مردم به سفارت‌خانه خرسندی داده‌اند و یا چنین گفتگویی باوجود ایشان بوده است. چراکه خود ما دیدیم که آنان با چه سختی‌ها و بیم‌ها روبه‌رو بودند و باین همه از مسجد بیرون نیامدند و سرانجام که ناگزیر شدند، روانه قم گردیدند. آن رفتار دلبرانه و جانب‌دارانه آنان کجا و خرسندی از پناهنده شدن مردم به سفارت‌خانه یک دولت بیگانه کجا» (همان، ۱۳۶۳: ۱۰۹).

مظفرالدین شاه پس از اطلاع یافتن از این موضوع که روزبه‌روز بر تعداد متحصنین در سفارت انگلستان اضافه می‌شود و این افراد در حمایت دولت انگلستان هستند و نمی‌تواند با آنان برخورد قهرآمیز و خشونت‌بار داشته باشد با درخواست آنان موافقت نمود و در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی فرمان مشروطیت را امضا کرد و چهار ماه بعد درگذشت تا جای خود را به پسرش محمدعلی شاه بدهد و شاهد اوج درگیری میان هواداران روسیه و انگلیس در ایران باشیم.

1. Grant Duff

2. Sir Edward Grey

3. روسیه تزاری

۳-۳. محمدعلی شاه و درگیری نیروهای روسیه و انگلیس

همان‌طور که در سطور بالا اشاره گردید، محمدعلی میرزا با مخالفین همراهی نمود و باید داستان آن گفته شود، آن مرد با آن کوتاه‌اندیشی و خودخواهی کسی نبود که دلش به حال کشور و مردم بسوزد و از سوی دیگر گمان نمی‌رفت که معنی جنبش توده و زیان آن را به دستگاه خودکامگی آینده خودش نداند، به‌ویژه با داشتن آموزگاری همچون «شاپشال»^۱. داستان آن است که چون عین الدوله خواسته بود او را از ولیعهدی بردارد، از آن هنگام کینه سختی با وی می‌داشت و حال فرصتی پیدا کرده بود تا او را از صدراعظمی براندازد و با مخالفین تنها در این زمینه همراه بود (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۱۳). هرچند نباید از تبلیغات سوء دولت انگلستان علیه محمدعلی شاه و تلاش برای تخریب وی که نقش بسیار بزرگی در شوراندن مردم علیه او داشت هم غافل شد.

سیاست رسمی دولت انگلیس در قبال محمدعلی شاه، آن بود که کشور را به آشوب بکشاند و او را ساقط کند. ابتدا از سوی مطبوعات به ترور شخصیت شاه پرداختند و سپس نیروهای تروریستی را برای ترور اتابک^۲ و محمدعلی شاه گسیل داشتند (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۲).

لازم به ذکر است از طرف محمدعلی شاه در موارد متعدد موافقت‌هایی با مجلس و پشتیبانی از آن ابراز شد.

«شاید اگر کار بدین روال پیش می‌رفت و اعمال تحریک‌آمیزی صورت نمی‌گرفت و تندروهای افراطی به سوءقصد علیه محمدعلی شاه دست نمی‌زدند و نمایندگان آن‌ها در مجلس و خطبای آن‌ها بر منبر و نویسندگان آن‌ها در روزنامه به بدگویی علیه شاه و اغوای مردم علیه سلطنت نمی‌پرداختند، مشروطیت ایران مسیر دیگری [را] می‌پیمود؛ یعنی شاه حاضر می‌شد با پیشرفت حکومت مشروطه همراه شود و استبدادطلبان مجال نمی‌یافتند محمدعلی شاه را به خطر جانس بترسانند و او را به مقابله با آزادی برانگیزند» (ادمیت، ۱۳۴۰: ۲۷۶).

تدبیر و متانت اتابک در آرامش کشور قدری تأثیر کرد، او می‌خواست از تندروی‌ها و از تحریکات هرج و مرج طلبانه جلوگیری کند ولی سیاست خارجی و انقلابیون تندرو نمی‌گذاشتند و هرروز تظاهرات دامنه‌داری علیه اتابک ترتیب می‌دادند. بالاخره روز شنبه ۲۱ رجب (مهرماه) دو ساعت از شب رفته [بود] اتابک به اتفاق [آیت‌الله] سید عبدالله بهبهانی از مجلس خارج می‌شد، [که] هدف گلوله [شخصی به نام] عباس آقا تفنگ‌ساز تبریزی قرار گرفت و در دم جان باخت [...] مخبر السلطنه در کتاب خاطرات و خطرات توطئه قتل اتابک را به محمدعلی شاه نسبت داده ولی نوشته او مغرضانه

^۱ . *Sergey Shapshal*: سرگئی شاپشال معلم روسی تبار محمدعلی شاه ملقب به ادیب‌السلطان که تأثیر عمیقی بر فکر و روح او گذاشت. سرگئی شاپشال که مستقیماً تحت نظر سفارت روسیه تزاری در تهران عمل می‌کرد، تأثیر بسزایی در مستبد شدن محمدعلی شاه داشت که اوج این نسیان و سرکشی غیر مدنی در صدور فرمان به توپ بستن ساختمان مجلس شورای ملی در میدان بهارستان تجلی یافت.

^۲ . اتابک در دوره‌ی محمدعلی شاه دوباره به قدرت بازگشت.

و خلاف واقع می‌باشد، او برای تبرئه انگلیسی‌ها تحریف حقیقت نموده و طبق مصلحت چنین نوشته [...] پس از قتل اتابک، صنایع‌الدوله از ریاست مجلس استعفا داد و احتشام‌السلطنه به‌جای او انتخاب گردید و در ۱۸ رمضان میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک از طرف مجلس به نخست‌وزیری برگزیده گردید، در انتخاب این کابینه شاه دخالت نداشت، در [دوره] زمامداری کوتاه ناصرالملک آثار قرارداد ۱۹۰۷ ظاهر شد، هرج‌ومرج شدت یافت، اغتشاشات داخلی بیشتر شد، ترک‌ها در مرز ارومیه حمله کردند و فرمانفرما مفتضحانه شکست خورد، مذاکرات محتشم‌السلطنه با ترک‌ها بی‌نتیجه ماند و در تهران هتاک‌های روزنامه‌ها نسبت به شاه از حد گذشت، تحریکات انجمن‌های ملی و سخنرانی‌های مغرضانه ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین [اسدآبادی] و ناسزاگویی‌های بی‌شمارانه روزنامه‌ها شاه را عصبانی کرده و منجر به تظاهرات میدان توپخانه گردید و ناصرالملک به دستور شاه از کار برکنار شده و از ایران تبعید گردید و نظام‌السلطنه مافی (حسینقلی خان) نخست‌وزیر شد [...] پس از التیامی که بین شاه و مجلس حاصل شد امید پیشرفت مشروطه و بهبود اوضاع افزایش یافت، اما مخالفان شاه و عناصر ناراحت و دست‌پروردگان سیاست خارجی^۲ هرروز حادثه‌ای علیه شاه ایجاد می‌کردند [...] به دنبال اقدام به ترور شاه در باغ‌وحش اکباتان، اختلاف شاه با مجلس و مجامع ملی شدید شد [...] مجلس و انجمن‌های ملی تبعید و برکناری شش نفر از اطرافیان شاه را می‌خواستند، شاه هم دستگیری و تبعید هشت نفر از سران تندرو مشروطه را می‌خواست، در میان این هشت نفر ظهیرالسلطان پسر ظهیرالدوله که در صف مبارزان صمیمی مجلس بود نیز قرار داشت [...] روز چهارم جمادی‌الاول شاه با خانواده خود از ارگ به باغشاه عزیمت کرد، اطراف باغشاه را قزاق‌ها و سربازها گرفتند، تظاهرات نظامی در شهر آغاز شد [...] [آیت‌الله] سید محمد طباطبایی و [آیت‌الله] سید عبدالله بهبهانی و انجمن‌های ملی بخشنامه‌هایی به تمام شهرستان‌ها مخابره کرده مردم را به بسیج عمومی و مبارزه با شاه و دولت دعوت کردند [...] در تهران فعالیت انجمن‌های ملی و تحریکات نمایندگان تندرو مجلس علیه شاه افزایش یافت، سخنرانی‌های شدیدالحن ملک‌المتکلمین و سید جمال واعظ که از طرف سالارالدوله و ضل‌السلطان و هم از طرف سفارت انگلیس تحریک می‌شدند بیشتر شد، شاه از مجلس خواست که قانونی بگذارند تا به‌وسیله آن اسلحه را از دست مردم بگیرند؛ اما مجلس چنین کاری نکرد، ناچار قزاق‌ها برای این کار در میدان توپخانه موضع گرفتند و برای خلع سلاح افراد مسلح تلاش‌هایی کردند ولی موفق نشدند [...] سرانجام شاه و اطرافیان برآن شدند که اگر مجلس تسلیم نظریات شاه نشود مجلس را بمباران کنند، شاه به بمباران مجلس چندان رضایت نداشت و به خونریزی مایل نبود، اما اطرافیان شاه او را قانع کردند. بالاخره شب ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۲ تیر ۱۲۸۷) قزاق‌ها مجلس را محاصره کردند و فردا صبح لیاخوف پیغام شاه را به مجلس ابلاغ کرد و درخواست نمود که هشت نفر مورد نظر را تحویل دهند. اگر مجلس به این

۱. دقیقاً در روز امضای این قرارداد اتابک ترور گردید. طبق این قرار شمال ایران منطقه نفوذ دولت روسیه، جنوب ایران منطقه نفوذ دولت انگلیس و وسط ایران هم به‌عنوان منطقه بی‌طرف انتخاب گردید.

۲. منظور انگلستان است.

پیشنهاد پاسخ مثبت می‌داد، حادثه بمباران و حوادث بعد از آن پیش نمی‌آمد و مشروطه ایران به تدریج سیر تکاملی خود را می‌پیمود، اما گردانندگان مجلس به اشتباه و غرض لجبازی کردند و بزرگ‌ترین ضربه بر پیکر حکومت جوان پارلمانی ایران وارد آمد. [بدین ترتیب] مجلس بمباران شد و نمایندگان متواری گردیدند و آزادی‌خواهان و اعضای انجمن‌ها هر یک به جایی فرار کردند (صفایی، ۱۳۶۳: ۱۴۹-۱۵۷).

نکته‌ی جالب توجه اما واکنش شیخ فضل‌الله نوری به واقعه‌ی به توپ بسته شدن مجلس بود. ضدیت شیخ فضل‌الله نوری با مشروطیت و مجلس مشروطه به چنان حدی رسیده [بود] که وقتی توپ‌های لیاخوف روسی، مجلس را به توپ بستند شیخ آن‌ها را به ابابیل تشبیه کرده و در رساله‌ی «حرمت مشروطه» چنین نوشت:

«مشروطه‌خواهان آشکارا از راه هدایت روی برتافتند پس در این حال فرمان خدا بر هلاک ایشان تعلق گرفت و خداوند حيله ایشان را نابود ساخت و سلطان عادل (محمدعلی شاه) در حق آنان کاری کرد که درباره اصحاب فیل انجام شد.» (مرادی مراغه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۴).

هنگامی که خبر به توپ بستن مجلس و سرکوبی مشروطه‌خواهان به شهرهای مختلف ایران رسید، مردم سر به شورش برداشتند و این شورش‌ها به قیام‌هایی در تبریز، گیلان، منطقه بختیاری و... انجامید. به دنبال [این شورش‌ها] مشروطه‌خواهان عازم فتح تهران شدند. شورش مردم در شهرهای مختلف در مخالفت با محمدعلی شاه هرروز اوج بیشتری می‌گرفت و اعلامیه‌های مراجع عبات مبنی بر ضرورت مبارزه با استبداد و حمایت از مشروطه، به این شورش‌ها بیشتر دامن زد و مردم را در مبارزه مصمم‌تر می‌کرد (میری، ۱۳۷۸: ۲).

۴. تقابل مشروطه‌خواهان با محمدعلی شاه

پس از اینکه محمدعلی شاه اساس مشروطیت را با [به] توپ بستن مجلس شورای ملی بر هم زد و نخستین دوره مجلس ملی ایران از میان رفت، ستم و جود و حبس و قتل نفوس و اختناق نسبت به آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان آغاز شد. ناچار جمعی از آنان از وحشت حکومت مستبد و تسلط اختناق و کشتار به سفارتخانه‌های انگلیس، عثمانی و فرانسه پناه بردند و در حقیقت نوعی از تحصن اختیار کردند. البته دسته‌ای هم به جنگ [با] حکومت و عوامل دربار [مباردت کردند] و متأسفانه جمعی از [...] آزادیخواهان و مبارزان حقیقی مانند میرزا جهانگیرخان شیرازی، ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ کشته شدند (افشار، ۱۳۵۹: ۱۴).

هم‌زمان با آغاز جنگ در تهران، در برخی از شهرستان‌ها نیز آتش جنگ شعله‌ور و آزادیخواهان سرگرم دفاع از مشروطه شده بودند. در این میان، تبریز مهم‌ترین شهری بود که همگام با تهران به شدت در حال مبارزه با دیکتاتوری محمدعلی شاه بود (انصاری، ۱۳۶۸: ۵۰).

کودتای محمدعلی شاه مردم [اکثر] شهرها را غافلگیر کرد، ولی خوشبختانه مشروطه‌خواهان تبریز غافلگیر نشدند و به همین جهت موفقیت شدند سرپا بایستند و در مقابل استبداد پایداری کنند. وکلای تبریز، مخصوصاً تقی‌زاده، مستشارالدوله و حاجی میرزا ابراهیم آقا، با موکلین خود در تماس مستمر بودند و آن‌ها را از وخامت اوضاع مطلع کرده بودند. مستبدین تبریز که از طرف علمای آن شهر رهبری می‌شدند، «انجمن اسلامیه» را که زیر نظر سیدهاشم و حاجی میرزا حسن مجتهد بود و مرکز تجمع قوای مسلح خود قرار داده بودند، با محمدعلی شاه در تماس بودند و دستور می‌گرفتند و کنسول روس از آنان حمایت می‌کرد.

در برابر آنان، مشروطه‌خواهان که عده‌ای افراد مسلح در اختیار داشتند در اطراف انجمن ایالتی و مراکز ملی گردآمده بودند، [بدین ترتیب] شهر تبریز دو قسمت شده بود. نیمی از آن در تصرف مستبدین، قداره‌کشان و تفنگچی‌های آنان بود و نیم دیگر را آزادیخواهان [در دست] داشتند. پس از اولین درگیری که بین مستبدان و آزادیخواهان به رهبری ستارخان و باقر خان در گرفت، سران مستبدین به مردم اعلام کردند اگر می‌خواهند در امان باشند باید یک بیرق سفید بالای سردر خانه خود نصب کنند. مردم تبریز نیز که سخت وحشت کرده بودند، به‌استثنای یک‌چهارم شهر، بقیه پرچم سفید بالا بردند [...] همچنین کنسول روسیه به دیدن ستارخان رفت و [به وی] پیشنهاد کرد که بیرق از کنسولگری بفرستد که او بر سردر خانه خود بزند تا زیر حمایت دولت روسیه، از گزند مصون بماند. ستارخان جواب داد: «جناب کنسول، من می‌خواهم هفت‌دولت زیر بیرق ایران بیاید، من زیر بیرق بیگانه نمی‌روم» در این ایام دسته‌های سواره و پیاده و توپخانه، از جمله سپاهی به سرکردگی محمدولی خان تنکابنی^۱ (سپهدار اعظم) از تهران رسیده بود و نیروی بزرگی برای نیروهای حکومت فراهم می‌شد. ولی در این زمان مشروطه‌خواهان هم نیرومند شده بودند و از ایرانیان قفقاز و استانبول نیز به آنان کمک می‌شد (پزشک زاد، ۱۳۸۵: ۱۴۲-۱۴۵).

علمای سه‌گانه نجف^۲ نیز که بعد از [به] توپ بستن مجلس، تلگراف‌هایی به پشتیبانی از مشروطه به تهران مخابره کرده بودند، در این موقع فتوا دادند که حمله به تبریز به‌منزله جنگ با امام زمان [عج] است (همان، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

محمدعلی شاه نیز که در این زمان به علت حمایت‌های شیخ فضل‌الله نوری بیشتر از هرزمانی مشروطه‌خواه و مدافع اسلام شده بود در پاسخ به تلگراف اعتراض‌آمیز و شدیدالحن سه مجتهد و مرجع بزرگ نجف، لایحه جوابیه‌ای صادر کرد و در آن نوشت که کار مخالفت مردم و علما با مشروطه بدان جا کشیده است که «مملکت ایران ضجه واحده شده است و اگر بیشتر از این با بدعتِ مزدکی مذهبان، همراهی بکنیم و از استغاثات حجج اسلام تعافل ورزیم، مظنه این است که عصر ما،

^۱ وی در ادامه به مشروطه‌خواهان پیوست و رشت را از دست نیروهای محمدعلی شاه خارج ساخت.

^۲ مشهور به آیات ثلاثه عبارتند از: ۱. آیت‌الله میرزااحسین خلیلی تهرانی ۲. آیت‌الله ملا محمدکاظم خراسانی مشهور به آخوند

خراسانی ۳. آیت‌الله عبدالله مازندرانی.

تاریخ انقراض دین و دولت ایران هردو واقع می‌شود» و با اشاره به اقدامش در به توپ بستن مجلس و کودتا مدعی شد:

«به واسطه این اتفاق که واقع شد، خودمان را در حضور صاحب شرع، مستوجب اجر مجاهدین و مجذین دین مبین میدانیم... و بحمدالله تعالی به ترویج شرع و تنظیم شعائر و اجرای قانون اسلام و ایجاد وسایل عدل عام، به تمام قوای خودمان مشغول شده‌ایم و سابقاً هم به همین نیت مقدس بودیم.» (آجودانی، ۱۳۸۲: ۳۸۲).

هنگامی که نیروهای محمدعلی شاه نتوانستند بر مشروطه‌خواهان آذربایجان پیروز شوند، سربازان روسی به کمک آنان آمدند. مؤلف کتاب «عین الدوله و رژیم مشروطه» از هجوم سربازان روسی، چنین تصویری ارائه می‌دهد:

«... ناگهان پنج هزار سرباز افسارگسیخته روسی از مرز می‌گذرند و سیل آسا به سوی تبریز بلادیده سرازیر می‌شوند. پیش‌قراولان اردوی مداخله‌گر، در ۹ اردیبهشت ۱۲۸۸ (۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ه.ق) به پشت دیوارهای شهر می‌رسند، با آمدن سپاهیان تجاوزگر روسی قوای خسته و فرسوده دولتی، دست از محاصره شهر می‌کشند و پراکنده می‌شوند؛ تبریز محنت‌کشیده ظاهراً نجات پیدا می‌کند ولی تبریز از چاله درنیامده به چاه می‌افتد! محمدعلی شاه، آذربایجان و تبریز را به دست دژخیمان روسی می‌سپارد و آن‌ها در آن شهر مفتخر و سرافراز مرتکب جنایاتی می‌شوند که باروح غرور ملی و افتخار جنگ‌آوری مردان سلحشور، تضاد عجیبی داشت» (به نقل از زاوش، ۱۳۶۱: ۱۷۷).

تبریز به مدت نه ماه در برابر نیروهای استبدادی ایستادگی کرد و نه ماه محاصره را به خاطر حراست از اصول و هدف‌های مشروطه تحمل کرد. اقدامات تبریز سبب شد که امید روسیه به ایجاد یک حکومت خودکامه و زیر نفوذ روسیه ... بر باد رود (حسینی، ۱۳۸۸: ۹).

هم‌زمان با تلاش‌های مشروطه‌خواهان تبریز اینتلیجنس سرویس^۱ در لندن^۲ «کمیته ایران/پرشیا کمیته»^۳ را برای رسیدگی به اوضاع ایران و کنار گذاشتن محمدعلی شاه و حاکم کردن مشروطه انگلیسی در ایران، تأسیس کرد. این کمیته متشکل از چند انگلیسی مانند ادوارد گرانویل براون پدر جریان روشنفکری ایران، لرد لمینگتن^۴ رئیس کمیته ایران، ارل آف رونالدشی^۵ هنری فینیس بلس لینچ^۶ و چند ایرانی مانند سید حسن تقی زاده و معاضدالسلطنه بود. آن‌ها دو کمیته پارلمانی و امنیتی تشکیل دادند. این جمع، جلسات متعددی با ایرانیانی که به اروپا فرار کرده بودند

¹. Intelligence Service

². London

³. Persia committee

⁴. Lord Leamington

⁵. Earl of Ronaldshay

⁶. Henry Fimmis Blossie Lynch

داشت و راه‌های مختلفی را برای شکست محمدعلی شاه و به دست گرفتن کشور توسط جریان انگلیسی بررسی کرد (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۲).

اهالی اصفهان نیز همانند تبریزی‌ها و دیگر مردم، به حمایت از مشروطیت برخاستند و در این راستا بعضی از خوانین بختیاری نیز به یاری آنان آمدند. روحانیون مشروطه‌خواه اصفهانی به‌ویژه آقا نورالله نجفی و دراویش منطقه از جمله سید احمد نوربخش دهکردی، کمر همت به دفاع از مشروطیت بستند و به تشویق و تحریک خوانین بختیاری پرداختند. آنان با حضور مکرر در نزد خوانین بختیاری، زمینه‌ی آشتی دو عموزاده، ابراهیم‌خان ضرغام‌السلطنه بختیاری و نجف قلی خان صمصام‌السلطنه بختیاری را فراهم ساختند (پور بختیار، ۱۳۸۵: ۳).

سرانجام ضرغام‌السلطنه با سواران بختیاری به اصفهان حمله برد و در نهم ذی‌حجه ۱۳۲۶ ق. / دوم ژانویه ۱۹۰۹ م. / دوازدهم دی‌ماه ۱۲۸۷ ش. این شهر را تصرف کرد و اقبال‌الدوله حاکم محمدعلی شاه، به کنسولگری اصفهان پناهنده شد. چند روز بعد صمصام‌السلطنه نیز وارد اصفهان شد و اداره‌ی امور شهر را بر عهده گرفت (همان، ۱۳۸۵: ۳).

سردار اسعد بختیاری از انگلیس راهی ایران شد و ورودش به اصفهان، با تصرف قزوین به دست مشروطه‌خواهان گیلانی هم‌زمان شد. او بلافاصله اداره اصفهان را به دست گرفت و تمام نیروهای بختیاری به خدمت او درآمدند. محمدعلی شاه نامه‌ای به فاتحین اصفهان ارسال کرد و آن‌ها را از این کار بازداشت. آقا نجفی و حاج‌آقا نورالله (علمای اصفهان) به همراه سردار اسعد و صمصام‌السلطنه، طی تلگراف مشترکی در روز ۱۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ ق. به محمدعلی شاه پاسخ دادند و درخواست اعاده مشروطیت و مجلس شورای ملی کردند. امضاکنندگان نامه شیخ محمدتقی [آقا نجفی]، شیخ نورالله، نجف قلی بختیاری [صمصام‌السلطنه]، علی‌قلی بختیاری [سردار اسعد]، انجمن ولایتی، عموم علماء، عموم تجار اعیان، عموم ملت اصفهان و خوانین بختیاری بودند (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۶).

اندکی پیش از حرکت نیروهای بختیاری به سوی تهران، سردار اسعد با کنسول انگلیس در اصفهان ملاقات کرد. او دائم با نمایندگان دولت انگلیس ملاقات داشت و هیچ قدمی بدون هماهنگی با بریتانیا انجام نمی‌داد. سردار اسعد در این دیدار به کنسول انگلیس گفت:

«مصمم است تا خلع محمدعلی شاه از سلطنت، به مبارزه خود علیه خودکامگی او ادامه دهد و از این بابت هم از دخالت روس‌ها، هراس به دل راه نخواهد داد» (همان، ۱۳۹۷: ۱۶).

مردم گیلان نیز که از حضور قوای قزاق روسیه ناراضی بودند به مشروطه‌خواهان پیوستند. نماینده و کنسول روسیه در گیلان با توجه به همین حضور قزاق‌های مسلح بود که آزادانه و گستاخانه در تمام شئون زندگی مردم دخالت می‌کرد و محمدعلی شاه و دربار او نیز که در این دوره شدیداً به دولت تزاری روسیه متمایل و وابسته شده بودند و آن دولت را یگانه حامی خود در برابر امواج مشروطه‌خواهی می‌پنداشتند، نه تنها از اقدامات کنسول و قزاق‌های روس در گیلان ممانعت

نمی‌کردند، بلکه آنان را مورد حمایت خود نیز قرار می‌دادند؛ به همین دلیل بود که مبارزات مردم گیلان علیه استبداد داخلی به سرعت رنگ و بوی مبارزه با استعمار خارجی نیز به خود گرفت (شاکری، ۱۳۸۳: ۱۲).

زمانی که اوضاع پایتخت در اثر حمله محمدعلی شاه به مجلس شورای ملی و دستگیری و سرکوب مشروطه‌خواهان بحرانی شد، کاملاً محتمل بود که مردم و مجاهدان گیلان به این مسئله واکنش شدید نشان خواهند داد. گیلانی‌ها به‌ویژه مردم رشت با برپایی اعتراضات گسترده و تجهیز مردم و مجاهدان به‌زودی آماده حرکت به‌سوی تهران شدند. قزاق‌های مقیم منطقه سعی کردند این اعتراضات را سرکوب کنند اما دیگر اعتراضات به اوج خود رسیده بود. مشروطه‌خواهان در غائله مشهور به «مدیریه»، سردار افخم، حاکم رشت را به قتل رساندند و پس از آن نیروهای دولتی خلع سلاح شده، شهر به دست مشروطه‌خواهان افتاد. با این واقعه، رشت به یکی از مهم‌ترین مراکز طرفدار مشروطه‌خواهی تبدیل شد. چندی بعد مجاهدین گیلانی به همراه انقلابیون قفقازی عازم تهران شدند (همان، ۱۳۸۳: ۱۲).

سردار اسعد بختیاری با مشروطه‌خواهان گیلانی که به قزوین رسیده بودند برای فتح تهران هماهنگی‌های لازم را انجام دادند و به‌سوی پایتخت به راه افتادند. نیروهای بختیاری در روز ۳۰ خرداد ۱۲۸۸ (۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق) از اصفهان به‌سوی تهران راه افتادند و در روز ۵ تیر ۱۲۸۸ (۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق) بدون هیچ جنگ و درگیری وارد قم شدند. محمدعلی شاه نیروهای دولتی را برای مقابله با بختیاری‌ها در کاشان مستقر کرده بود ولی این نیروها نه در کاشان جلوی بختیاری‌ها را گرفتند تا مانع از تصرف قم شوند و نه در زمانی که بختیاری‌ها قم را تصرف کردند، به مقابله با آن‌ها برآمدند! (عبداللهی، ۱۳۹۷: ۱۷).

در تهران، محمدعلی شاه دروازه‌های شهر را به توپ مجهز کرده بود و به‌وسیله هشت هزار قشون و توپخانه سنگین و هزاران ارادل‌واوباشی که از گوشه‌کنار شهر گردآورده بود، پایتخت را به دژ مستحکمی تبدیل کرده بود. اردوی بزرگ مشروطه و قشون محمدعلی شاه در پشت دروازه‌های تهران به نبرد پرداختند. در آغاز قشون دولتی از تمام دروازه‌های شهر به‌سختی محافظت کرده و اجازه وارد شدن نیروهای مشروطه را نمی‌دادند؛ اما سرانجام در ۲۲ تیر ۱۲۸۸ (۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق)، دروازه بهجت‌آباد گشوده شد و مجاهدان وارد شهر شدند. عملاً پایتخت سقوط کرده بود، با این‌همه درگیری‌های پراکنده درون شهر به مدت سه روز دنبال شد. در هر گوشه مشروطه‌خواهان به پیروزی‌هایی دست‌یافته و یکی‌یکی مناطق استراتژیک را تحت کنترل خود درمی‌آوردند. در ۲۵ تیر پایتخت به‌طور کامل در دست اردوی مشروطه افتاد و محمدعلی شاه گریخته و به سفارت روسیه پناهنده شد (انصاری، ۱۳۶۸: ۵۹-۶۰).

بدین ترتیب آخرین پادشاه خودکامه قاجاری نیز به وسیله‌ی نیروهای تحت حمایت انگلیس عزل گردید و پسرش احمدشاه که عملاً هیچ‌کاره بود، توسط مشروطه‌خواهان به‌عنوان پادشاه جدید انتخاب گردید که در واقع از پادشاه تنها نام آن را با خود داشت.

۵. نتیجه‌گیری

ناصرالدین‌شاه قاجار اولین شاه قاجار بود که برای تحکیم قدرت خود به سمت روسیه گرایش یافت. اتفاقی که برای انگلستان که ایران را سدی در برابر روسیه برای جلوگیری از دستیابی به هندوستان به‌عنوان بزرگ‌ترین مستعمره خود می‌دید خوشایند نبود. به همین علت پس از ترور مشکوک ناصرالدین‌شاه و روی کار آمدن مظفردالدین شاه دولت انگلستان از اعتراضات مردم و علما برای تأسیس عدالت‌خانه استفاده نمود و به معترضین متحصن در سفارت خود مشروطه‌خواهی را عرضه کرد. مظفردالدین شاه نیز که روزهای پایانی عمر خود را می‌گذراند علی‌رغم مخالفت درباریان با برقراری حکومت مشروطه موافقت نمود. این اتفاق همان قدر که موجبات خرسندی انگلستان را فراهم آورد موجب ناخرسندی روسیه گردید چراکه قدرت را از دست پادشاهان طرفدار روسیه خارج می‌نمود و به مجلس شورای ملی می‌داد. بدین ترتیب انگلستان می‌توانست بانفوذ در مجلس و فرستادن افراد موردنظرش در مجلس سیاست‌های ایران را به سمت سوی مطابق با منافعش هدایت کند.

با روی کار آمدن محمدعلی شاه که تحت تأثیر معلم روسی خود شاپشال و همچنین موردحمایت روسیه بود ناگهان ورق علیه مشروطه‌خواهان موردحمایت انگلیس برگشت و محمدعلی شاه در یک تقابل آشکار با مشروطه‌خواهان به فرمانده بریگاد قزاق کلنل لیاخوف دستور به توپ بستن مجلس و کشتن و زندانی کردن نمایندگان آن را صادر کرد. در برابر این اقدام محمدعلی شاه انگلستان از طریق سفارتخانه خود و همچنین به وجود آوردن یک کمیته در داخل انگلستان درباره‌ی اوضاع ایران اقدام به مقابله با محمدعلی شاه می‌کند. بدین ترتیب کشور به دودسته تقسیم می‌شود. دسته اول طرفداران روسیه که ضد مشروطه بودند و محمدعلی شاه آن را رهبری می‌کرد و دسته‌ی دوم طرفداران انگلستان که مشروطه‌خواه بودند و فرماندهی آنان را سردار اسعد بختیاری بر عهده داشت. بدین ترتیب جنگ بین نیروهای روسیه و انگلیس درمی‌گیرد که پیروز این جنگ طرفداران انگلستان بودند و محمدعلی شاه مغلوب و مجبور به فرار و پناهنده شدن به سفارت روسیه می‌گردد. بدین ترتیب مشروطه مجدداً در ایران حاکم می‌شود و احمدشاه که توسط خود مشروطه‌خواهان به‌عنوان پادشاه جدید برگزیده شد عملاً هیچ‌کاره کشور بود و تمامی تصمیمات را سران مشروطه و نمایندگان مجلس می‌گرفتند و بدین ترتیب سیستم موردنظر انگلستان که در آن شاهان قاجار که متمایل به روسیه شده بودند تصمیم‌گیرنده اصلی نباشند به اجرا درآمد.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۴۰۱)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران.
- ابوالحسنی، علی (۱۳۸۳)، جان ناآرام هند، ماهنامه زمانه، دوره ۳، شماره ۲۱.
- آجودانی، ماشاءالله (۱۳۸۲)، مشروطه ایرانی، نشر اختران، تهران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۰)، فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، انتشارات سخن، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۵۹)، اوراق تازه‌یاب مشروطیت، انتشارات جاویدان، تهران.
- امانت، عباس (۱۳۸۳)، قبله عالم، ترجمه حسن کامشاد، نشر کارنامه، تهران.
- انصاری، بهمن (۱۳۶۸)، انقلاب مشروطه از آغاز تا انجام، نشر منشور سمیر، تهران.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۸۰)، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه سیروس سعدوندیان و مهری قزوینی، نشر کویر، تهران.
- بصیرت‌منش، حمید (۱۴۰۱)، بازخوانی نقش آیت‌الله سید عبدالله بهبهانی در تحصن مشروطه‌خواهان در سفارت انگلیس (بررسی دیدگاه امام خمینی)، پژوهشنامه متین، دوره ۲۴، شماره ۹۶.
- پزشک زاده، ایرج (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطیت ایران یک صدمین سالگرد، نشر البرز، تهران.
- پور بختیار، غفار (۱۳۸۵)، حاکمان بختیاری تبار اصفهان از مشروطیت تا سقوط قاجاریه، فصلنامه گنجینه اسناد، دوره ۱۶، شماره ۶۴.
- چیت‌سازیان، محمدرضا (۱۴۰۲)، چرا هند برای انگلستان مهم بود؟ جامعه تحلیلی گویا، دسترسی در ۱۱ آذر ۱۴۰۲ WWW.gooya.ir/article/293
- حاجری، فرهاد، قنوت، عبدالرحیم، معصومی، محسن (۱۴۰۲)، تجربه استعمار انگلیس در هند و رویکرد ضد استعماری ایرانی: علل آغاز رواج باورهای ضد استعماری در میان ایرانیان، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۲.
- حسینی، مطهره (۱۳۸۸)، نقش منطقه آذربایجان در انقلاب مشروطه، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۳.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۸)، یک قرن فتنه‌پزی سفارت انگلستان در ایران؛ از مشروطه تا دی‌ماه ۹۸، دسترسی در ۲۵ آذر ۱۴۰۲ WWW.tasnimmews.com/fa/n
- خبرگزاری دنیای اقتصاد (۱۳۹۰)، انگلیس و انقلاب مشروطه، دسترسی در ۲۰ آذر ۱۴۰۲ - WWW.donya-e-qtesad.com
- خبرگزاری فارس (۱۴۰۲)، مشروطه و دیگ پلوی سفارت انگلیس دسترسی در ۲ بهمن ۱۴۰۲ WWW.farsnews.ir/news/140
- خراسانی، نعیمه، رفیعی، امیر تیمور (۱۳۹۲)، روابط سیاسی ایران و روسیه در عصر ناصرالدین‌شاه، فصلنامه تاریخ، دوره ۸، شماره ۳۱.
- رجایی، غلامعلی (۱۳۹۰)، کمپانی هند شرقی انگلیس و ایران دوره زند، نشر مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران.
- زاوش، محمدحسین (۱۳۶۱)، نقش فراماسون‌ها در رویدادهای اجتماعی، نشر آینده، تهران.

- سید، محمود، صیاد عبدی، نینا (۱۳۹۶)، آثار عهدنامه‌های واگذار شده به روس و انگلیس در دوره ناصری و مظفری، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
- شاگری، هوشنگ (۱۳۸۳)، ناراضی مشروطه، ماهنامه زمانه، دوره ۳، شماره ۲۷.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۳)، رهبران مشروطه، انتشارات جاویدان، تهران.
- طلوعی، محمود (۱۳۸۰)، دو قرن نیرنگ، نشر علم، تهران.
- عبداللهی، میثم (۱۳۹۷)، همکاری انگلیس و روسیه در تحریف مشروطه و مقابله با محمدعلی شاه، فصلنامه مطالعات تاریخی، دوره ۱۷، شماره ۶۳.
- فولادی، داراب (۱۳۹۴)، بررسی مقایسه‌ای نقش روسیه و انگلستان در دو جنبش اجتماعی معاصر ایران: جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۳۰.
- کسروی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- مرادی مراغه‌ای، علی (۱۴۰۲)، روز قتل شیخ فضل‌الله نوری، ماهنامه نسیم بیداری، دوره ۱۴، شماره ۱۰۱.
- موسوی، رسول (۱۳۹۷)، روابط نظامی ایران و روسیه (از قاجار تا پهلوی)، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره ۱۹، شماره ۷۴.
- میری، رزیتا (۱۳۷۸)، محمدعلی شاه قاجار در تبعید، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، دوره ۳، شماره ۱۱.



Research Article

The competition between Russia and England in Iran, rereading the constitutional movement in Iran

Ali Akbar Rezaei¹

Date of received: 2024/04/08

Date of Accept: 2024/05/09

Abstract

The constitutionalist movement in Iran is one of the most influential movements in the political scene of contemporary Iranian history. This movement put an end to absolute governments in Iran, where the kings were the only decision-makers in the country. In this movement, we witnessed the role of two colonial powers, Russia and England, in Iran, where Russia favored the monarchists and England favored the constitutionalists, and each pursued their own interests in this movement. The main question of the current research is, what benefits or losses did the two countries of Russia and England have in opposing and agreeing with the constitutionalist movement? The hypothesis of the research indicates that the constitutionalism movement was created by the British government and the purpose of this action was to remove the absolute power from the hands of the Qajar kings. In this research, analytical-descriptive method was used using library resources. The results of the research showed that in order to preserve India as its largest colony, England placed Iran as a buffer zone that prevents the domination of Russia, which is a colonial power that is in the neighborhood of Iran. After the Qajar kings turned towards Russia, England felt the danger that due to Russia's influence on Iran, India would be at risk of Russian aggression. For this reason, by using the opportunity obtained in the protests of the Iranian people to form the Justice House, he expresses the plan of constitutionalism to the protestors and besiegers in his embassy, thus diverting the demands towards constitutionalism. After the inauguration of Mohammad Ali Shah, who was fully supported by Russia, the National Council was closed and some of the constitutionalist leaders were executed or imprisoned. England, by supporting the constitutionalists, provided the means for their victory over Muhammad Ali Shah, thus turning the Qajar king into a powerless person.

¹. Master's student in International Relations of Imam Khomeini International University (RA). Qazvin, Iran.
Email: Rezaei.yu@gmail.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

Keywords: *England, Russia, Constitutional Revolution, Mohammad Ali Shah, Muzaffaruddin Shah.*

Citation (APA 6th ed. / APSA)

Rezaei, Ali Akbar (Winter 2025). "The competition between Russia and England in Iran, rereading the constitutional movement in Iran". *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 7, Num. 4, S.No. 28, pp. 19 - 42.

Resources

Abdullahi, Maitham (2017), *British and Russian cooperation in constitutional distortion and confronting Muhammad Ali Shah*, *Historical Studies Quarterly*, Volume 17, Number 63. (in Persian)

Abolhasani, Ali (2013), *India's Unsettled Life*, *Zamaneh Monthly*, Volume 3, Number 21. (in Persian)

Abrahamian, Yervand (1401), *Iran between two revolutions*, translated by Ahmad Gol-Mohammadi and Mohammad Ebrahim Fatahi, Ney Publishing, Tehran.

Adamiat, Fereydoun (1340), *Thought of Freedom and the Introduction of the Constitutional Movement*, Sokhon Publications, Tehran. (in Persian)

Afshar, Iraj (1359), *New Papers of Constitutionalism*, Javidan Publications, Tehran. (in Persian)

Ajudani, Masha Allah (1382), *Iranian Constitution*, Akhtaran Publishing House, Tehran. (in Persian)

Amanat, Abbas (1383), *Qiblah Alam*, translated by Hassan Kamshad, Karnameh Publishing House, Tehran. (in Persian)

Ansari, Bahman (1368), *Constitutional revolution from beginning to end*, Samir Charter Publishing, Tehran. (in Persian)

Basirt-Menesh, Hamid (1401), *reading the role of Ayatollah Seyyed Abdullah Behbahani in the sit-in of constitutionalists in the British Embassy (examination of Imam Khomeini's view)*, *Matin Research Journal*, Volume 24, Number 96. (in Persian)

Brown, Edward Granville (1380), *Iran's Constitutional Revolution*, translated by Siros Saadovandian and Mehri Qazvini, Nash Kavir, Tehran.

Chit-Sazian, Mohammadreza (1402), *Why was India important for England?* *Goya Analytical Society*, access on 11 Azar 1402 WWW.gooya.ir/article/293. (in Persian)

Fars News Agency (1402), *Constitution and the British Embassy*, accessed on February 2, 1402 WWW.farsnews.ir/news/140. (in Persian)

- Fuladi, Darab (2014), a comparative study of the role of Russia and England in two contemporary Iranian social movements: the tobacco movement and the constitutional movement, Political Science Quarterly, Volume 11, Number 30. (in Persian)*
- Hajri, Farhad, Kanawat, Abdul Rahim, Masoumi, Mohsen (1402), British colonial experience in India and Iranian anti-colonial approach: causes of anti-colonial beliefs among Iranians, Islamic History and Civilization Quarterly, Volume 19, Number 42. (in Persian)*
- Hosseini, Motahera (2008), The Role of Azerbaijan Region in the Constitutional Revolution, Politics Quarterly, Volume 41, Number 3. (in Persian)*
- Kasravi, Ahmad (1363), Iran's Constitutional History, Amirkabir Publications, Tehran. (in Persian)*
- Khorasani, Naimeh, Rafiei, Amir Taimur (2012), political relations between Iran and Russia in the era of Naser al-Din Shah, Tarikh Quarterly, Volume 8, Number 31. (in Persian)*
- Mesechezad, Iraj (2005), Iran's Constitutional Revolution One Hundredth Anniversary, Alborz Publishing House, Tehran. (in Persian)*
- Miri, Rosita (1378), Mohammad Ali Shah Qajar in exile, Iranian Contemporary History Quarterly, Volume 3, Number 11. (in Persian)*
- Moradi Maragheh, Ali (1402), the day of the assassination of Sheikh Fazlullah Nouri, Nasim Bidari Monthly, Volume 14, Number 101. (in Persian)*
- Mousavi, Rasul (2017), Military relations between Iran and Russia (from Qajar to Pahlavi), Foreign Relations Quarterly, Volume 19, Number 74. (in Persian)*
- Pour Bakhtiar, Ghafar (1385), Bakhtiari rulers of Isfahan from constitutionalism to the fall of the Qajar dynasty, Ganjineh Sanad Quarterly, Volume 16, Number 64. (in Persian)*
- Rajaei, Gholam Ali (1390), Anglo-Iranian East India Company, Dore Zand, Publishing House of Diplomatic Records and History Center, Tehran. (in Persian)*
- Safai, Ebrahim (1363), Constitutional Leaders, Javidan Publications, Tehran. (in Persian)*
- Seyyed, Mahmoud, Sayad Abdi, Nina (2016), the works of treaties handed over to Russia and England during the Naseri and Mozaffari periods, Tarikh Quarterly, Volume 12, Number 47. (in Persian)*
- Shakri, Hoshang (2013), Constitutive Dissatisfied, Zamaneh Monthly, Volume 3, Number 27. (in Persian)*

Tasnim News Agency (2018), a century of sedition by the British Embassy in Iran; From the constitution to December 1998, access on December 25, 1402 WWW.tasnimnews.com/fa/n. (in Persian)

Toloui, Mahmoud (2010), two centuries of trickery, Alam publication, Tehran. (in Persian)

World Economic News Agency (1390), England and the Constitutional Revolution, access on 20 December 1402 WWW.donya-e-qtesad.com. (in Persian)

Zavash, Mohammad Hossein (2011), The Role of Freemasons in Social Events, Eindeh Publishing, Tehran. (in Persian)



